روزنه

انتقاد از لغو برنامه‌های انجمن اسلامی ترقی‌خواه پلی‌تکنیک

● **شرق:** نشست «آیین و آیینه» که قرار بود سه‌شنبه، ۲۵ آبان، به همت انجمن اسلامی دانشجویان ترقی‌خواه دانشگاه پلی‌تکنیک و به مناسبت اربعین حسینی با نگاهی جدید به مقوله دینداری با سخنرانی دکتر محمد مجتهدشبستری و دکتر احمد شکرچی در دانشگاه امیرکبیر برگزار شود، لغو شد. عامر ارمغان، سخنگوی این تشکل دانشجویی، در گفت‌وگو با انصاف‌نیوز، دراین‌باره گفت: هیأت نظارت به ما اعلام کرد که برنامه باید حتما به صورت «مناظره» باشد، درغیراین‌صورت مجوز برگزاری ندارد! ما با صحبت‌هایی که با همه مسئولان دانشگاه ازجمله معاونت فرهنگی، نماینده نهاد رهبری، مدیریت فرهنگی و اجتماعی و مدیرکل حوزه ریاست دانشگاه داشتیم، مراتب اعتراض‌مان را مبنی بر بی‌معنابودن این تصمیم هیأت نظارت اعلام کردیم؛ چراکه در درجه اول تحمیل شیوه مناظره‌ای بر برنامه‌ای که قرار است در حوزه اندیشه و دین باشد، بی‌معنا و فاقد توجیه است. خب مناظره، آن‌هم در یک جلسه دوساعته با موضوع فکری-مذهبی چه حاصلی می‌تواند داشته باشد؟ و مهم‌تر از آن، اینکه هیأت نظارت به چه حقی روند تولید علم و اندیشه در دانشگاه را محدود می‌کند و قید و شرط برای برنامه می‌گذارد؟ به چه دلیلی باید ما حتما برنامه خود را به صورت مناظره برگزار کنیم؟ مگر تشکل‌های دیگر برای دعوت از میهمانان اغلب افراطی و تندرو اصولگرا، با چنین محدودیت‌های عجیب و غریبی مواجه می‌شوند که هر بار و به بهانه‌ای برنامه‌های تشکل‌های مستقل و منتقد لغو می‌شود؟ طبیعتا انجمن اسلامی دانشجویان ترقی‌خواه به صورت نسبی قرابتی با اندیشه‌های دو سخنران محترم برنامه داشته که آنها را دعوت کرده است. به چه دلیل ما باید مجبور باشیم به افرادی که تریبون‌های متعددی در دانشگاه در اختیار دارند و به هر مناسبتی برای سخنرانی دعوت می‌شوند، دوباره تریبون بدهیم؟ کدام تفسیر از آزاداندیشی یا قانونمندی در برخورد با تشکل‌ها این‌گونه قیدوبندهای سلیقه‌ای را توجیه می‌کند؟ او همچنین افزود: ضمنا این موضوع جای تعجب دارد که ما سال گذشته در خدمت استاد مجتهدشبستری در برنامه بزرگداشت آیت‌الله طالقانی بودیم...

ادامه در صفحه ۱۹

politics@sharghdaily.ir

آیا تجربه ۹۲ در ۹۶ تکرار می‌شود؟

اصولگرایان به‌سوی دیروز

عکس: مهدی دهقان

مهسا جزینی: اصولگرایان همان راهی را می‌روند که در سال ۹۲ رفتند. وضعیت برای آنها هیچ فرقی نکرده که هیچ، از یک‌سو سخت‌تر هم شده است. اگرچه تصور خودشان این است که این‌بار به‌جای رویارویی با نامزد منادی تغییر، با رئیس دولت مسئول وضع موجود روبه‌رویند و می‌توانند با دست‌گذاشتن روی کاستی‌ها، زمین بازی را به‌نفع خود تغییر دهند.

اصولگراها متفق‌اند که در حوزه اقتصادی، دولت روحانی موفق شده رشد منفی را مثبت کند، اما تحولی که در زندگی مردم ملموس به نظر برسد به اعتقاد آنها رخ نداده است. محمدرضا باهنر درباره احتمال حمایت اصولگرایان از روحانی به «اگر»ی اشاره می‌کند که «اگر» خیلی از اصولگراهاست؛ اینکه اگر روحانی در این ماه‌های آینده بتواند حرکتی در حوزه اقتصاد انجام دهد که برای مردم ملموس باشد، احتمال حمایت از او وجود دارد. احتمالا مقصود باهنر از این تحول ملموس، حرکت‌های تبلیغاتی ولی مخرب بدون پشتوانه مانند مسکن‌مهر یا افزایش یارانه‌ها یا سهام عدالت، وام ازدواج و... است. این در حالی است که اصولگرایان هم می‌دانند بهبود وضعیت اقتصادی رخدادی زیرساختی و زمان‌بر است نه یک‌شبه و فوری و چون این را می‌دانند، ترجیح می‌دهند آن را فرض محال تفسیر کنند. از سویی دبیرکل بزرگ‌ترین جبهه اصولگرایی هم ترجیح می‌دهد از تریبون عمومی سخنی نگوید تا در مقابل دیگر اصولگرایان از این «اگر»ش تعبیر به حمایت از روحانی شود. او از یک‌سو می‌گوید اگر نامزدی پیدا نشود که اندازه روحانی مقبولیت و کارآمدی داشته باشد، منطقی نیست که او را معرفی کنیم، اما از سویی دیگر می‌گوید این اگر، اگری محال است و رخ نمی‌دهد. اصولگرایان از ترس شکست نمی‌خواهند چهره‌های اصلی خود را در برابر روحانی قرار دهند تا یک ناکام انتخاباتی به ناکامان دیگر بیفزایند. در این چهار سال هم فرصت چهره‌سازی برای افرادی که امکان عرض‌اندام در برابر روحانی داشته باشند نداشته‌اند. برای همین چهره‌هایی که به نظر آنها امکان بدل‌شدن به یک نامزد بالقوه را دارند، در آب‌نمک نگه می‌دارند تا برای انتخابات ۱۴۰۰ از آنها رونمایی کنند. فتاح و خود باهنر از این جمله‌اند. برای همین هم به‌شدت احتمال نامزدی خود را برای انتخابات ۹۶ تکذیب می‌کنند. با توجه به اینکه دودوره‌شدن یک رئیس‌جمهوری بدل به رخدادی عرفی شده است و احتمال انتخاب دوباره روحانی محتمل است، پس سرمایه‌گذاری روی مهره‌های اصلی در صورتی که شکستشان محتمل باشد، منطقی نیست. در شرایط فعلی، قالیباف برای آنها گزینه منطقی‌تری است. شرط‌بندی روی مهره‌ای که دوبار سابقه باخت دارد، چندان هزینه ندارد. از سویی او در انتخابات قبلی با اختلاف شش‌میلیون رأی، نفر دوم شده است. پس شانس او برای برنده‌شدن بیش از دیگر گزینه‌هاست. علل دیگری هم وجود دارد که آنها به قالیباف بیش از دیگرگزینه‌ها دل ببندند. روحانی ۹۲ نماد امید و تغییر وضعیت موجود بود.

روحانی ۹۶ نماد وضع موجود است. پس این احتمال هست که بخشی از آرای افرادی که به‌دنبال تغییر وضع موجود به روحانی رأی دادند، این‌بار برای تغییر دیگر به سبد قالیباف ریخته شود، اگرچه لزوما نمی‌توان گفت که آرای ریزش‌شده از روحانی صددرصد به سبد رقیب اصولگرای او که می‌تواند قالیباف باشد ریخته شود. بالاخره خاطره «سرهنگ و حقوق‌دان» در ذهن رأی‌دهندگان هست و رأی‌ندادن به حقوق‌دان، لزوما به معنای رأی‌دادن به شهردار پایتخت نخواهد بود، اما این احتمال هست که رقابت بین روحانی و گزینه احتمالی‌ای چون قالیباف به دور دوم کشیده شود. در این حالت شاید قالیباف و دیگر اصولگرایان با برنامه‌ریزی و تبلیغات در ماه‌های باقی‌مانده بتوانند روی بخشی از آرای ۹۲ روحانی سرمایه‌گذاری کنند.

جلیلی و نقد دستاوردهای برجام

اصولگراها اما مشکلات عدیده‌ای هم در میان خودشان دارند. آنها با یک رقیب درونی سرسخت مواجهند؛ طیف جبهه پایداری و نزدیکان و حامیان آنها که تاکنون نشان داده‌اند به‌هیچ‌عنوان از گزینه انتخاب اصلح خود کوتاه نمی‌آیند. آنها اگر شده اصولگرایان را وادار به کوتاه‌آمدن می‌کنند و فهرست‌هایشان را گروگان خود می‌گیرند که گروگان نمی‌شوند. تحرکات یک سال اخیر سعید جلیلی، گزینه اصلح جبهه پایداری در انتخابات ۹۲، حاکی از این است که او دوباره می‌آید. هرچه به زمان انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم، تویخانه سعید جلیلی در حمله به دولت از زاویه برجام و دستاوردهای آن سنگین‌تر و نقدهایش تندوتیزتر می‌شود، حتی جملاتش اخیرا به طعنه و متلک‌گویی صریح به دولت هم رسیده است.

او هر هفته در سفر است. مخاطب او به‌ویژه دانشگاه‌ها و جمع دانشجویان بسیجی است. «پایش» نوشت: سعید جلیلی، دبیر سابق شورای امنیت ملی، گفته است در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری نامزد خواهد شد. پیش از این گفته می‌شد در صورت پیروزی ترامپ، آمدن احمدی‌نژاد هم محتمل‌تر می‌شود، اما با منتفی‌شدن بازگشت رئیس سابق دولت به نظر می‌رسد که نسخه عیب‌یابی‌شده او؛ یعنی سعید جلیلی، پاجای او خواهد گذاشت. سایت «پویش» دو روز قبل در تحلیلی نوشت: «پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا روح تازه‌ای را به اردوگاه مخالفان حسن روحانی دوانده و انگیزه برخی از چهره‌های اصولگرا برای نامزدی در انتخابات را بیشتر کرده است. گفته می‌شود جلیلی اخیرا با تحلیل اوضاع کشور به برخی هم‌فکرانش گفته است که اکنون دیگر همه متوجه شده‌اند برجام شکست خورده و نظرات ما درباره برجام به اثبات رسیده است. به گفته جلیلی، با شکست برجام و اثبات درستی مواضع او در دوران مذاکرات هسته‌ای، مردم در این دوره به او رأی خواهند داد». جلیلی برخلاف دیگر اصولگرایانی که احتمال نامزدی‌شان می‌رود، ولی صراحتا آمدن خود را تکذیب کرده‌اند، تاکنون هیچ پاسخ صریحی مبنی‌بر آمدن یا نیامدن خود نداده است. او در حاشیه هر سخنرانی و حضوری در مجامع عمومی، وقتی با این پرسش روبه‌رو می‌شود که آیا قصد نامزدی در انتخابات را دارد یا نه، از دادن پاسخ‌های صریح طفره می‌رود؛ ولی کنش او چیز دیگری را می‌رساند.

باز هم رویارویی جلیلی و قالیباف

اگر وضعیت به همین منوال پیش برود. دوباره رقابتی جدی میان نامزدهای اصولگریان در موعد انتخابات شکل خواهد گرفت و احتمال زیادی وجود دارد که صحنه انتخابات ۹۲ دوباره تکرار شود. دراین‌صورت انتظار می‌رود رقابت بین جلیلی و قالیباف و حامیانشان سنگین‌تر و حیثیتی‌تر از انتخابات ۹۶ شود. پیش‌بینی می‌شود که سعید جلیلی با همین فرمانی که از یک سال پیش آغاز کرده؛ یعنی تقلیل ماجرای برجام از مسئله نظام به مسئله دولت و یک جناح، آن را بی‌نتیجه و بدون دستاورد بخواند و به این شکل سعی در جذب رأی داشته باشد. این‌بار برخلاف سال ۹۲ جای جلیلی و روحانی عوض شده است. روحانی این‌بار نماد وضع موجود است و جلیلی بدون نیاز به لزوم پاسخ‌دهی درباره عملکرد دوران مدیریت خود بر تیم هسته‌ای و به مدد حافظه کوتاه‌مدت جامعه ایرانی مدعی قرارگرفتن در وضعیت تغییر خواهد بود. جلیلی در قالب یک احمدی‌نژاد عیب‌یابی‌شده می‌تواند از حالا رؤیای یک ۸۴ دیگر را در خواب ببیند.

ادامه در صفحه ۱۹

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰
sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● به‌عنوان یک خواننده تقریبا ثابت شما و یک شهروند و یک کشاورز زجرکشیده از جور خشک‌سالی ضمن تشکر از روزنامه «شرق» خواهشمند است به هر طریق ممکن به گوش دولتمردان و نمایندگان مجلس برسانید برای اجرای اصلاحیه قانون بودجه ۹۵ راجع به بخشش دیرکرد، جرائم وام‌های زیر صد میلیون تومان کشاورزان جوردیده از خشک‌سالی‌های پیاپی را که توان پرداخت وام‌های خود را نداشته و مجبور به تمدید و استمهال آنها شده‌اند در نظر بگیرند؛ به‌طور مثال بنده از بانک کشاورزی وام دریافت کرده و در سال‌های گذشته در سررسید به دلیل خشک‌سالی توان تسویه را نداشتم و بهره و بهره و... و دیرکرد بود که روی هم جمع شده است؛ درواقع مبلغی که بدهکارم، نزدیک به ۹۰درصد آن جریمه و دیرکرد است. لطفا اطلاع‌رسانی کنید که اگر مقدور است برای دفاع از حقوق کشاورزان دراین‌باره گزارشی تهیه کنید.

کشاورزی از جنوب استان ایلام

● **دست‌فروشان نورچشمی!** چرا مسئولان سد معبر شهرداری یا مترو فقط به دو نفر از دست‌فروشان اجازه می‌دهند بساط پهن کنند و اجناس‌شان را بفروشند؛ اما بقیه را جمع‌آوری می‌کنند. آیا نورچشمی‌ها می‌توانند دست‌فروشی کنند؟!

مصطفی خادملو از تهران

● **ضعف شهردار منطقه ۳:** پل مکانیزه در بزرگراه شهید حقانی، مقابل خیابان نفت جنوبی و ساختمان روزنامه اطلاعات، بیشتر مواقع خاموش است و سالمندان و بیماران را با مشکلات فراوانی مواجه می‌کند. چرا شهردار منطقه ۳ پیمانکار یا پیمانکاران را ملزم به تعمیر اساسی این پل نمی‌کند؟ بارها برای رسیدگی به این موضوع با سامانه ۱۳۷ شهرداری تماس گرفته یا از طریق مطبوعات پیگیری کرده‌ایم؛ اما مشخص نیست چرا به درخواست‌هایی که اعلام می‌شود، رسیدگی نشده و ضعف شهرداری منطقه ۳ موجب این نابسامانی شده است!

علی اکبری